

نقش شهروندان در مواجهه با بحران‌های زیست‌محیطی

هدایت‌الله نیکخواه^۱، مصطفی ظهیری نیا^۲، سحر آقاملایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۹

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش شهروندان در مواجهه با بحران‌های زیست‌محیطی در شهر بندرعباس است. به منظور دستیابی به هدف پژوهش، از مبانی نظری مشارکت اجتماعی در دو سطح ذهنی و عینی (رفتاری)، نظریه کنش پارسونز، نظریه کاشت گربنر و دیدگاه مک‌میلان و چاوایس بهره گرفته شد. روش تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های هرمزگان، آزاد و پیام‌نور بندرعباس است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۰ نفر تعیین شد که به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و برحسب عامل جنسیت انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. در بخش توصیفی، از آماره‌های توصیفی؛ و در بخش استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون اسپیرمن و تحلیل رگرسیون چندگانه بهره گرفته شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین احساس تعلق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و میزان تماشای برنامه‌های تلویزیون داخلی با مشارکت در حفظ محیط‌زیست رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، اما بین میزان تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای با مشارکت در حفظ محیط‌زیست رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. براساس یافته‌ها، پاسخگویان از نظر ذهنی آمادگی نسبتاً بالایی جهت مشارکت در حفظ محیط‌زیست داشتند اما به لحاظ عینی و عملی مشارکت بسیار پایینی نشان دادند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد، در مجموع، ۲۸ درصد از واریانس مشارکت در حفظ محیط‌زیست از طریق متغیرهای تحقیق قابل توضیح و تبیین است. همچنین، متغیر احساس تعلق اجتماعی با ۴۲ درصد بیشترین تأثیر را بر متغیر مشارکت در حفظ محیط‌زیست دارد.

واژگان کلیدی: محیط‌زیست، مشارکت اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، بندرعباس.

nikkhah@hormozgan.ac.ir

^۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه هرمزگان (نویسنده مسئول):

zahirinia@hormozgan.ac.ir

^۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه هرمزگان:

aghamollaei.sahar93@gmail.com

^۳. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه هرمزگان:

مقدمه و بیان مسئله

طبیعت و محیط‌زیست^۱ موهبتی خداوندی است. محیط‌زیست محل زندگی و تأمین‌کننده اصلی‌ترین نیازهای انسان است و پدیده‌ای است که هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود (ویسی و مجدالدین، ۱۳۸۹: ۹۳). طبق تعریف متن حقوقی شورای جامعه اقتصادی اروپا (۲۷ ژوئن ۱۹۶۷)، محیط‌زیست شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است (برخوردار، ۱۳۹۳). متأسفانه انسان در دوران سلطه‌اش بر این کره خاکی به استفاده بی‌رویه و بدون برنامه‌ریزی از منابع طبیعی، ایجاد آلودگی‌های خطرناک در آب، هوا، خاک و از بین بردن توان زیست آن پرداخته است. محققان زیست‌محیطی معتقدند که امروزه بحران‌های زیست‌محیطی^۲ به‌طرز نگران‌کننده‌ای زندگی انسان را تهدید کرده است، تا حدی که حیات انسان و دیگر موجودات را در کره خاکی به مخاطره انداخته است (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱). بحران محیط‌زیست در عصر حاضر، ناشی از فقدان دانش و آگاهی بشر در مدیریت پایدار محیط‌زیست است (مولیادی^۳، ۲۰۱۰). نگاهی گذرا بر وضعیت محیط‌زیست در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که فعالیت‌های انسانی مؤثرترین و مهم‌ترین علل تغییرات زیست‌محیطی است (پناهنده و عابدین‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۸). برای احتراز از نابودی مطلق محیط‌زیست، همه انسان‌ها اعم از تصمیم‌گیرنده‌ها و سایر مردم در ابعاد جهانی، ملی و به‌ویژه در سطح محلی، باید این واقعیت مهم را دریابند که پیشرفت و توسعه الزاما روندی پایدار داشته باشد. توسعه جامعه معاصر نباید به قیمت نابودی و اضمحلال زندگی آیندگان تمام شود و از ثمرات آن نه تنها نسل‌های حاضر که نسل‌های آینده نیز بهره‌مند شوند. در صورتی که آحاد مردم به این باور برسند که می‌توانند برای حفظ و نگهداری محیط‌زیستشان گام‌های مؤثری بردارند و در حفظ محیط‌زیست، که درواقع متعلق به خودشان است، نقش مؤثری داشته باشند، بسیاری از بحران‌های زیست‌محیطی حل می‌شوند (فره‌مند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

امروزه بحران‌های زیست‌محیطی با سرعت و شدت تمام در حال گسترش است و زندگی میلیاردها انسان را در جای‌جای این کره خاکی تهدید می‌کند. بحران محیط‌زیست، که امروزه به

^۱. Environment

^۲. Environmental crises

^۳. Moliadi

مسئله‌ای جدی و قابل تأمل بدل شده است، حاصل دخالت و بهره‌وری نامعقول انسان از طبیعت پیرامون خود است. امروزه این خطر وجود دارد که انسان زمین سکونتگاه خود را به نابودی بکشاند، به‌طوری‌که گستردگی و اهمیت این موضوع توجه دانشمندان را برای نجات آن برانگیخته است. در عصر حاضر دست‌اندازی بر سه عنصر اصلی زندگی یعنی آب، خاک و هوا و بهره‌برداری بی‌رویه و غیراصولی از این منابع سبب شده محیط‌زیست کرهٔ خاکی با چالش‌های مهمی در این حوزه‌ها مواجه شود. در قرن ۱۸ میلادی، با شروع انقلاب صنعتی در انگلستان و برخی کشورهای اروپایی، جهان از فاز کشاورزی وارد صنعت شد و تکانه‌های محیط زیستی آغاز شد. با تغییر در سبک زندگی، مسابقهٔ مصرف‌گرایی، تجملات و تشریفات زائد در زندگی روزمرهٔ بشر آغاز شد و حاصل آن، تولید زباله و پسماندهای صنعتی و خانگی شد که بیشترین آسیب را به عناصر اصلی محیط‌زیست وارد کرده است. این در حالی است که انسان مغرورانه خود را مالک اصلی محیط‌زیست و چرخهٔ طبیعت می‌داند و بیش از سهم خود از منابع طبیعی و محیط‌زیست بهره‌برداری می‌کند.

تخریب محیط‌زیست به دلیل پیامدهای ناگواری که برای بشر به همراه داشته به یکی از بزرگترین چالش‌های دنیای معاصر تبدیل شده است. به‌همین دلیل، برای نخستین‌بار در سال ۱۹۷۲ میلادی، سازمان ملل متحد با هدف آگاه کردن مردم در زمینهٔ حفظ و نگهداری و مراقبت از محیط‌زیست پنجم ژوئن را به‌عنوان روز جهانی محیط‌زیست نام‌گذاری کرد. در ایران نیز از ۱۵ تا ۲۱ خرداد، به‌عنوان هفته محیط‌زیست نام‌گذاری شده است. کشور ایران، مانند بسیاری دیگر از جوامع در حال توسعه، با چالش‌های زیست‌محیطی بسیاری روبه‌رو است. به‌طور کلی، پنج تهدید زیست‌محیطی اصلی در ایران که امنیت انسانی را به مخاطره می‌اندازد، عبارت‌اند از: آب، آسیب‌دیدگی و فرسایش خاک، اثری، آلودگی هوا و خسارت تنوع زیستی.

نواحی جنوبی کشور و حوزهٔ خلیج فارس؛ استان‌های خوزستان، بوشهر و هرمزگان با توجه به موقعیت جغرافیایی و استقرار انواع صنایع، پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها و همچنین برخورداری از اقلیم خاص، به کانونی از معضلات زیست‌محیطی تبدیل شده و محیط‌زیست ارزشمند این نواحی در معرض خطر نابودی قرار گرفته است. این در حالی است که خلیج فارس یکی از باارزش‌ترین زیست‌بوم‌های آبی جهان است که با وجود متنوع‌ترین رویش‌های گرمسیری و

گونه‌های مختلف جانداران آبرزی شرایط بسیار ویژه‌ای دارد که محیط‌زیست آن را تبدیل به محیطی بسیار حساس و شکننده کرده است و تعرض روزافزون به این منطقه گسترده و حساس، آلودگی شدید زیست‌محیطی این منطقه را موجب شده است. در این بین، استان هرمزگان با داشتن شرایط استراتژیکی خاص و سایر شرایط ویژه، به‌عنوان یکی از قطب‌های مهم فعالیت‌های اقتصادی کشور محسوب می‌شود که صنایع بزرگی همچون پالایشگاه هشتم نفت، پالایشگاه گاز سرخون و قشم، آلومینیوم المهدی، کشتی‌سازی خلیج فارس و سایر صنایع بزرگ و کوچک را در خود دارد. علاوه بر این، حدود ۵۷ واحد بندرگاهی و اسکله، به‌خصوص بندر شهید رجایی، به‌عنوان بزرگترین بندر کشور که بیش از ۸۰ درصد صادرات و واردات کشور از طریق آن انجام می‌گیرد، در استان هرمزگان واقع هستند. تمرکز صنایع بزرگ در غرب بندرعباس و ایجاد آلودگی هوا سبب بروز مشکلات زیست‌محیطی شدید در منطقه، به‌ویژه سکونتگاه‌های اطراف آن، شده است. آلودگی ناشی از ورود زهاب‌های کشاورزی، فاضلاب‌های شهری و روستایی، پساب‌های صنعتی و معدنی به منابع آبی، میزان آب سالم قابل‌دسترس را به‌شدت کاهش داده است. عدم کنترل مؤثر و اعمال یک مدیریت صحیح برای مدیریت پسماندها، مشکلات بهداشتی و زیست‌محیطی عدیده‌ای را به‌وجود آورده است. این عوامل موجب می‌شود که محیط شدیداً تحت تأثیر این‌گونه فعالیت‌های اقتصادی قرار گیرد. در شهر بندرعباس، به‌عنوان قطب اقتصادی کشور، با توجه به وجود آلودگی‌های زیست‌محیطی از قبیل آلودگی آب دریا، آلودگی ناشی از زباله‌های ره‌اشده صنعتی و خانگی، آلودگی هوا بر اثر فعالیت کارخانه‌های صنعتی، گرمای شدید هوا و آسیب‌پذیر بودن منطقه و مواردی از این قبیل، پرداختن به مسائل و موضوعات زیست‌محیطی، اهمیت بسیاری دارد.

با توجه به آنچه گفته شد، ایجاد و گسترش دانش و آگاهی زیست‌محیطی و مشارکت فعالانه مردم در حفاظت از محیط‌زیست، یکی از راهکارهای مطلوب برای فائق آمدن بر چالش‌های زیست‌محیطی و دستیابی به توسعه پایدار زیست‌محیطی محسوب می‌شود. در همه نقاط جهان، بخش زیادی از تشکلهای مدنی^۱ از نیروی جوان تشکیل می‌شوند و جوانان نقش کلیدی در حفاظت از محیط‌زیست دارند. معمولاً جمعیت جوان را به‌عنوان موتور توسعه و پیشرفت

^۱. Civil organizations

کشورها تلقی می‌کنند. با توجه به اهمیت این قشر برای جامعه مشخص می‌شود که مشارکت آنها نه تنها در زمینه‌های اجتماعی و مدنی، بلکه در همه بخش‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند منجر به شکوفایی شده و گامی مؤثر در جهت توسعه پایدار یک کشور به حساب آید. به عبارت دیگر، آگاهی و دانش زیست‌محیطی جوانان، به خصوص دانشجویان به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی یک کشور و یکی از مهم‌ترین نمادهای مدنیت^۱، از اهمیت بالایی برخوردار است. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان مشارکت جوانان در حفظ محیط‌زیست و عوامل تأثیرگذار بر آن در شهر بندرعباس انجام شده است.

پیشینه تجربی

تلاش‌های متعددی صورت گرفته است تا دانش (آگاهی)، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی افراد بررسی و مفهوم‌پردازی شود. در کنار این‌گونه مطالعات، تحقیقات متعددی نیز به بررسی عوامل مؤثر بر رفتار زیست‌محیطی افراد پرداخته‌اند. به دلیل هم‌پوشانی مطالعاتی که به بررسی دانش و آگاهی زیست‌محیطی پرداخته‌اند و مطالعاتی که به بررسی و تعیین عوامل مؤثر بر رفتار زیست‌محیطی پرداخته‌اند، تفکیک آنها کار بسیار دشواری است. با وجود اینکه در سال‌های اخیر، توجه زیادی به مسئله حفاظت از محیط‌زیست شده است اما تحقیقات چندانی با رویکرد اجتماعی و با استفاده از متغیرهای جامعه‌شناختی، در این زمینه صورت نگرفته است. از بین تحقیقات انجام شده در این زمینه، بیشتر مطالعات به بررسی دانش و آگاهی و رفتارهای زیست‌محیطی افراد پرداخته‌اند؛ و برخی تحقیقات نیز بررسی عوامل مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی افراد را هدف مطالعه قرار داده‌اند.

در داخل و خارج از ایران، پژوهش‌های زیادی (ویسی و مجدالدین، ۱۳۸۹؛ فرهنگد و همکاران، ۱۳۹۳؛ ادهمی و اکبرزاده، ۱۳۹۰؛ صالحی، ۱۳۸۹؛ رحمانی و مجیدی، ۱۳۸۸؛ ملک‌آبادی، ۱۳۹۳؛ سی‌دن ستریکرنتو و جان‌ماریون^۲، ۲۰۰۴؛ آکومولوف^۳، ۲۰۱۱؛ تیکسوز و همکاران^۴، ۲۰۱۰؛ کوزی و همکاران^۵، ۲۰۱۱؛ اگوز و همکاران^۶، ۲۰۱۰؛ بوداک و همکاران^۱،

^۱. Civilization

^۲. C. Dan Strickrento & John Marion

^۳. Akumoloff

^۴. Tixos et al

^۵. Kozi et al

^۶. Oguz et al

۲۰۰۵؛ کولموس و آگیمن^۲، ۲۰۰۲) در این زمینه انجام شده است که در ادامه به مرور اجمالی این مطالعات می‌پردازیم.

ویسی و مجدالدین (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان «بررسی سازوکارها و زمینه‌های مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست در بین کارشناسان سازمان حفاظت از محیط‌زیست» انجام دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که رهبران مذهبی، مدیران محلی، آموزگاران و مروجان و مدیران کارخانه‌ها و مدیران مسئول رسانه‌ها دارای بیشترین توان و قابلیت مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست هستند.

در تحقیقی که فرهنگد، شکوهی‌فر و سیار خلج (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی در شهر یزد» انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای سن، آگاهی زیست‌محیطی، فردگرایی، رضایت از زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه معناداری وجود دارد؛ همچنین بین زنان و مردان در رفتارهای زیست‌محیطی تفاوت معناداری وجود دارد.

ادهمی و اکبرزاده (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست شهر تهران» با هدف شناخت میزان تأثیر عوامل فرهنگی بر حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که متغیرهای احساس مسئولیت، اخلاق اجتماعی، آموزش و ارزش‌های سنتی و دینی بر حفظ محیط‌زیست و رفتارهای محیط‌زیستی مؤثر هستند. با توجه به یافته‌های این تحقیق متغیر هنجارسازی بر حفظ محیط‌زیست تأثیری ندارد.

تحقیق دیگری با عنوان «مطالعه نقطه نظرات و رفتارهای زیست‌محیطی» را صالحی (۱۳۸۹) در استان‌های گیلان، مازندران و گلستان انجام داده است. براساس یافته‌های این تحقیق، گروه‌های سنی مختلف، رفتارهای زیست‌محیطی متفاوتی را نشان می‌دهند. بدین معنی که افراد نسل قدیم در مقایسه با نسل جدید از رفتارهای زیست‌محیطی بیشتری حمایت می‌کنند. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که بین میزان درآمد افراد و رفتارهای زیست‌محیطی ارتباط منفی وجود دارد.

^۱. Budak et al

^۲. Kollmuss & Agyeman

رحمانی و مجیدی (۱۳۸۸) در تحقیقی که با عنوان «عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط‌زیست شهری با تأکید بر نگرش اکو فمینیستی» در تهران انجام دادند، بر اهمیت مشارکت و توانمندی‌های زنان در حفاظت از محیط‌زیست تأکید کردند. نویسندگان اعتقاد دارند هنوز مشارکت در کشورهای درحال توسعه، از جمله ایران، نهادینه نگردیده است. نتایج بیانگر این واقعیت است که علی‌رغم فعالیت‌های روزمره زنان و ارتباط مستقیم آنان با محیط‌زیست شهری، زمینه‌های این دیدگاه بسیار ضعیف است و زنان مشارکت چندانی در حفظ محیط زندگی خود ندارند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد میزان مشارکت زنان با سن، تعداد فرزندان و ساعات اشتغال همبستگی معکوس و با میزان تحصیلات، هزینه خانوار، مدت سکونت، وضعیت و نحوه تصرف مسکن همبستگی مستقیم دارد.

ملک‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی به «تحلیل و بازشناسی رفتارهای زیست‌محیطی شهری در اصفهان» پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که رفتار زیست‌محیطی شهروندان اصفهانی نسبت به دهه قبل مسئولانه‌تر شده است. ارتباط با طبیعت مهم‌ترین عامل پیش‌بینی کننده رفتار زیست‌محیطی افراد است. افراد مسن و زنان از رفتارهایی مانند تفکیک زباله و استفاده از حمل‌ونقل دوستدار محیط‌زیست برخوردار بودند. براساس نتایج این تحقیق، افراد دارای موقعیت اقتصادی-اجتماعی بالاتر کمتر از حمل‌ونقل دوستدار محیط‌زیست استفاده می‌کنند.

تحقیقی با عنوان «تغییرات پوشش زمین و سازمان اجتماعی در آمازون برزیل» را سی‌دن ستریکرتو و جان ماریون در سال ۲۰۰۴ در دانشگاه کمبریج، انجام داده است. موضوع اصلی این تحقیق در خصوص جامعه‌شناسی، ساختار جامعه و توسعه علوم زیست‌محیطی بوده است. این تحقیق در رابطه با تغییرات پوشش زمین در سه منطقه و ارتباط سازمان اجتماعی و مدیریت سازمان‌دهی با آن، صورت گرفته است. عواملی مانند پیشینه و فرهنگ و مهارت‌های مدیریتی در توضیح ارتباط محیط با مردم مؤثر است. آنچه انگیزه کشاورزان را نسبت به حفظ محیط‌زیست تضعیف کرده، عبارت است از سیاست‌های ملی، عوامل اقتصادی و عدم توجه کافی به سازمان‌دهی مشارکت مردم (صالحی، ۱۳۸۹: ۱۸).

تحقیقاتی که در بررسی دانش و آگاهی زیست‌محیطی، دانشجویان را هدف مطالعه قرار داده‌اند، نشان می‌دهند که گرچه دانش زیست‌محیطی عاملی مؤثر در تغییر رفتار دانشجویان

محسوب می‌شود، ولی سطح دانش زیست‌محیطی برحسب عوامل مختلف متفاوت است. به‌عنوان مثال، آکومولاف (۲۰۱۱) با «بررسی عوامل مؤثر بر آموزش زیست‌محیطی در دانشجویان نیجریه» دریافت که نگرش دانشجویان نسبت به محیط‌زیست و مشکلات مربوط به آن مطلوب نیست. همچنین این محقق دریافت که جنسیت، سطح آموزش والدین و نوع مؤسسه آموزشی تأثیری بر آگاهی و نگرش زیست‌محیطی دانشجویان نداشته است.

علاوه‌براین، تیکسوز و همکاران (۲۰۱۰) نیز به «بررسی میزان سواد، نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی دانشجویان در دوره قبل و بعد از آموزش زیست‌محیطی» پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر تفاوت معنی‌دار در دانش، نگرش و رفتار زیست‌محیطی دانشجویان بود.

کوزی و همکاران (۲۰۱۱) در «بررسی میزان آگاهی زیست‌محیطی دانشجویان در ترکیه» دریافتند که حساسیت نسبت به محیط‌زیست و آگاهی زیست‌محیطی برحسب جنسیت و نوع دانشکده محل تحصیل متفاوت است و افرادی که از سواد، آگاهی و حساسیت زیست‌محیطی برخوردار بودند توانستند به بهترین نحو با مشکلات زیست‌محیطی مقابله نمایند. بنابراین، محققان مذکور دریافتند که آموزش زیست‌محیطی مهم‌ترین روش برای شناسایی و مقابله با مشکلات زیست‌محیطی در دانشجویان است.

ازجمله محققان دیگری که به مسئله سطح آگاهی زیست‌محیطی دانشجویان پرداختند، اگوز و همکارانش (۲۰۱۰) می‌باشند. این محققان «سطح آگاهی زیست‌محیطی دانشجویان دانشکده‌های مختلف (معماری، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، مهندسی محیط‌زیست) در ترکیه» را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق مذکور نشان داد علی‌رغم بسیاری از دانشجویان، واحدهای درسی زیادی را در رابطه با محیط‌زیست می‌گذرانند، آگاهی‌شان از مسائل زیست‌محیطی محدود و مسئولیت‌پذیری‌شان پایین‌تر از سطح مورد انتظار بوده است. آنچه در تحقیق اگوز و همکارانش جالب‌توجه است این است که صرف داشتن آموزش انتزاعی نمی‌تواند به تغییر در رفتار منجر شود.

تحقیق بوداک و همکارانش (۲۰۰۵) در «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی دانشجویان دانشگاه ترکیه» نشان داد که نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی

برحسب جنسیت و محل سکونت دانشجویان متفاوت بود. علاوه‌براین، نتایج تحقیق نشان داد که دانشجویان سال اول دغدغه بیشتری نسبت به محیط‌زیست داشتند.

در سال ۲۰۰۲، کلموس و آگیان کار مشترکی به‌منظور «بررسی چرایی رفتار افراد در مورد محافظت از محیط‌زیست و موانع پیش روی آنها» انجام دادند. آنان دریافتند که چارچوب‌های نظری متعددی به‌منظور تبیین شکاف بین تسلط افراد به دانش و آگاهی زیست‌محیطی و بروز رفتار زیست‌محیطی ارائه شده است و باینکه بسیاری از این تلاش‌ها التزام و تعهد جدی برای این کار از خود نشان داده‌اند، اما هنوز هم هیچ تبیین قطعی برای این موضوع ارائه نشده است (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۱).

به‌طورکلی، تاکنون تحقیقات متعددی تلاش کرده‌اند تا عوامل مؤثر بر رفتار زیست‌محیطی را شناسایی کنند که هریک توانسته تنها به چند متغیر تبیین‌کننده رفتار زیست‌محیطی اشاره کند. این امر بیانگر پیچیدگی رفتار آدمی و دشواری تبیین رفتار است. پژوهش حاضر ضمن بررسی و مفهوم‌پردازی نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی، درصدد بررسی و تعیین عوامل مؤثر بر رفتار زیست‌محیطی افراد است. مشارکت در حفظ و نگهداری محیط‌زیست به‌عنوان رویکرد اصلی پژوهش برگزیده شده است.

چارچوب نظری

در این بخش، ابتدا به تعاریف مشارکت اجتماعی اشاره می‌شود و سپس به نظریات مرتبط با مشارکت اجتماعی از دیدگاه صاحب‌نظران می‌پردازیم. همچنین به دیدگاه‌هایی که پشتوانه متغیرهای مستقل پژوهش هستند مانند احساس تعلق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مصرف رسانه‌ای اشاره خواهد شد.

مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی فرایندی است مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال فرد، به‌عنوان عضو جامعه، در صحنه‌های اجتماعی و ایفای نقش یا نقش‌های اجتماعی که به وی سپرده می‌شود و در قالب رفتارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بروز می‌کند (کردی، ۱۳۸۵: ۷۵). مشارکت اجتماعی، شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه است که برآیند آن توسعه و بهتر شدن زندگی و حیات اجتماعی است. مقید نمودن تعریف مشارکت اجتماعی به خصایص

شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه، این نوع فعالیت‌ها را از فعالیت‌های معمولی و روزمره زندگی که ممکن است بنای آن بر تبعیت نیاندیشیده و تحمیلی و از قیود سنت‌ها و تعین‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی باشد، جدا می‌کند. درواقع، مشارکت اجتماعی، مشارکت داوطلبانه، آگاهانه و جمعی عاملان خصوصی در حوزه عمومی است، که از طریق کنش‌های متقابل مستقیم و غیرمستقیم شهروندان در مقیاس وسیع با فعالیت‌های محلی، نهادهای جامعه مدنی، دولت و... به‌منظور نفوذ تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری‌ها و/یا تعقیب اهداف عمومی تحقق می‌یابد (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵: ۴۳).

نظریه‌پردازان مختلف از جنبه‌های گوناگون به بررسی مفهوم مشارکت اجتماعی، ابعاد مشارکت و سطوح آن پرداخته‌اند که در ادامه به برخی آنها اشاره می‌شود.

ارنشتاین^۱ ضمن معرفی نردبان مشارکت، سطوح گوناگون مشارکت را برمی‌شمرد که می‌تواند از عضویت صرف و عدم مشارکت تا مشارکت واقعی در رفتار شهروندان در قالب همکاری، قدرت تفویض شده و نظارت شهروندان را در برگیرد. از نظر وی، مشارکت توزیع مجدد قدرت است که در سطوح مختلف اتفاق می‌افتد (آرنشتاین، ۱۹۷۱).

از نظر گائوتری^۲، مشارکت اجتماعی فرایندی است که با هدف درگیر کردن همه‌جانبه مردم در فرایند توسعه پدید می‌آید. وی در تعریف مشارکت می‌گوید که مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است. او چهار شرط مهم برای مشارکت حداکثری مردم معرفی می‌کند. ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری)؛ نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی)؛ اطلاعات کافی؛ و امکانات مادی و تخصصی لازم (گائوتری، ۱۹۸۶).

آگروال^۳ در نظریه مشارکتی خود سطوح مختلفی برای مشارکت در نظر می‌گیرد. مشارکت اسمی (صرفاً به معنی عضویت در گروه است)، مشارکت غیرفعال (به معنی آگاه شدن از تصمیمات موجود و حضور داشتن در جلسات و شنیدن اظهارنظر دیگران بدون داشتن حق صحبت و اظهارنظر کردن است)، مشارکت مشاوره‌ای (فرد می‌تواند پیشنهادهای سازنده‌ای در

^۱. Arnstein

^۲. Gaotri

^۳. Agarwal

مرحله تصمیم‌گیری ارائه کند اما فاقد قدرت اجرایی برای اعمال ایده‌های خود است)، مشارکت داوطلبانه یا مشارکت در فعالیتی خاص (منظور از این نوع مشارکت این است که فرد در فعالیتی خاص که از او خواسته می‌شود مشارکت می‌کند) و مشارکت فعال (این نوع مشارکت که بالاترین نوع مشارکت است، به معنی داشتن حق اظهارنظر و نفوذ بر تصمیمات گروه است (آگروال، ۲۰۱۰).

هومنز رفتارها را نتیجه محاسبه سود و زیان تلقی می‌کند. مشارکت زمانی نهادی می‌شود که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی گیرد. به عبارتی، مشارکت هنگامی اتفاق می‌افتد که فرد در قبال آن پاداش دریافت کند، برای او ارزشمند باشد و هزینه کمتری پرداخت کند.

هانتینگتون نقش نخبگان سیاسی را جهت تشویق مردم به مشارکت مؤثر می‌داند و معتقد است که آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی را نباید نادیده گرفت. در جوامعی که زندگی گروهی و فعالیت‌های جمعی گسترش زیادی ندارند، نوسازی با کاهش مشارکت همراه است. نگرش‌های نخبگان سیاسی، انجمن‌ها و گروه‌های واسط از پیش‌زمینه‌های مشارکت محسوب می‌شوند.

هابرماس شکل‌گیری حوزه عمومی و گفتمان خردمندانه را وضعیتی مناسب برای افکار عمومی و مشارکت می‌داند. در اندیشه وی، شرایط دسترسی برابر به مشارکت، ضرورت اجتماعات گفتمانی را پیشنهاد می‌کند. زمانی که کنشگران برای بحث و گفت‌وگو درباره مسائل موردعلاقه خود گرد هم آمده و به نقادی می‌پردازند، احساس تعلق، وابستگی و وفاق جمعی به وجود می‌آید که مقدمه‌ای برای رفتارهای جمعی و مشترک است (شیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷-۶).

به‌طورکلی، در دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکت، دو رویکرد اصلی را می‌توان تشخیص داد: نگرش خرد و نگرش کلان؛ در سطح خرد، بر انگیزه‌ها، گرایش‌ها و رفتارها تأکید می‌شود و در سطح کلان، زمینه‌ها، شرایط و عناصر ساختاری موردتوجه قرار می‌گیرد (ریترز، ۱۳۷۳: ۱۱۸). از این‌رو، مشارکت دو بخش ذهنی و عینی (رفتاری) دارد. مشارکت ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فرد به مشارکت اجتماعی است و مشارکت عینی فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مدنظر دارد و به‌صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری نمود پیدا می‌کند (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۹). مشارکت مؤثر مستلزم وجود انگیزه‌های شخصی است. به عبارتی، مشارکت قبل از اینکه نمود عینی پیدا کند پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و خلاصه در

فرهنگ مردم جستجو کرد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۵: ۴۶). در ادامه تئوری‌ها و دیدگاه‌های مرتبط با متغیرهای مستقل پژوهش بررسی و مطرح می‌شوند.

احساس تعلق اجتماعی: مفهوم احساس تعلق اجتماعی برای توصیف احساس تعلق به انواع مختلف جوامع به کار می‌رود. این جوامع شامل سازمان‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی محدود در یک مکان فیزیکی یا جغرافیایی همچون جامعه محلی، شهر یا شهرستان، محله، مدرسه و مانند آن هستند. ازجمله نظریه پردازان مقوله حس تعلق اجتماعی مک میلان و چاوینس^۱ هستند. آنها به چهار عنصر اصلی برای تعریف احساس تعلق اجتماعی اشاره می‌کنند: عضویت، تأثیرگذاری، یکپارچگی و تحقق نیازها و ارتباطات عاطفی مشترک (سیکونانی و همکاران^۲، ۲۰۰۸). عضویت به معنی احساس تعلق و ارتباط داشتن با گروه اجتماعی است. به عبارتی، مفهوم عضویت اشاره به این امر دارد که اگر فردی در اولین گام احساس تعلق و پیوستگی با اجتماع محلی داشته باشد و سرنوشت و شرایط زندگی خود را در گستره محله‌ای که در آن عضویت دارد، ارزیابی و ادراک نماید، احتمال مشارکت بیشتری در کنش‌های جمعی محله خواهد داشت و به دنبال آن احساس تعلق بیشتری به دست می‌آورد. تأثیرگذاری به میزان اهمیت دیدگاه‌ها و تصمیم‌گیری‌های فرد در گروه جمعی اشاره دارد. یکپارچگی و برآوردن نیازها امکان بهره‌مندی از همکاری و مشارکت دیگران را از طریق حضور در جمع می‌دهد. چهارمین عنصر یعنی پیوندهای عاطفی مشترک، شاید احساسی‌ترین و روان‌شناختی‌ترین مؤلفه، در بین چهار مؤلفه، حس تعلق به اجتماع باشد. پیوندهای عاطفی باعث اتصال فرد به اجتماع و محیط اطراف خود می‌شود و این اتصال و یگانگی به کنش‌های او معنا می‌دهد (موسوی و صفری، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۰).

به گفته برخی از نویسندگان، احساس تعلق اجتماعی را می‌توان به عنوان یک تبیین‌کننده برای مشارکت اجتماعی در نظر گرفت. برای مثال (چاوز و وندرسمن، ۱۹۹۰؛ دیویدسون و کاتر، ۱۹۸۶؛ پرکینز و همکاران، ۱۹۹۰؛ هاگی و همکاران، ۱۹۹۹) معتقدند که مشارکت در جامعه به جوانان فرصت بسط روابط اجتماعی با افرادی غیر از خانواده و همسالان را در موقعیت‌های مختلف اجتماعی می‌دهد و به آنها کمک می‌کند تا درک درستی نسبت به خود و دیگران پیدا کنند و از این طریق هویت اجتماعی خود را تقویت نمایند.

^۱. Mcmilan & Chavis

^۲. Cicognani et al

مسئولیت‌پذیری اجتماعی: نظریه کنش در جامعه‌شناسی، به نظریه کنش اجتماعی، که توسط نظریه‌پرداز آمریکایی تالکوت پارسونز معرفی شده است، اشاره می‌کند. پارسونز علاقه داشت که نظریه کنش را از رفتارگرایی متمایز سازد. رفتار دلالت بر واکنش مکانیکی در برابر محرک‌ها دارد، حال آنکه اصطلاح کنش بر یک فراگرد فعالانه، خلاقانه و ذهنی دلالت می‌کند. پارسونز نظریه کنش را برای بررسی نظم اجتماعی با ادغام جنبه‌های ساختاری و ارادی عوامل خرد و کلان ایجاد کرد (ریتزر، ۱۳۷۳).

به نظر پارسونز، گرچه کنشگر در چارچوب نظام عمل می‌کند؛ اما عمل او جنبه ارادی و عقلانی دارد و دارای خلاقیت و اختیار و نیروی ارزشیابی است. درواقع، به نظر پارسونز دو نوع روش یا شیوه عمل در برابر فرد وجود دارد که یکی براساس انگیزه‌های شخصی استوار است و دیگری عملی که بر منافع اجتماعی متکی است. به اعتقاد وی، در تحلیل نهایی، فرد همواره راهی را در پیش می‌گیرد که منطبق با خواست نظام اجتماعی است. به عبارت دیگر، انگیزه‌های فرد با ارزش‌های موجود در نظام اجتماعی انطباق می‌یابد و به همین دلایل نظام اجتماعی پایدار می‌ماند. درعین حال، کنش اجتماعی جنبه عقلانی دارد و افراد همواره تمامیت و هدفی را در رفتار خود دنبال می‌کنند (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۴۱).

پارسونز فرهنگ را نیروی عمده‌ای می‌انگاشت که عناصر گوناگون جهان اجتماعی و/یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد. به عقیده پارسونز، هنجارها و ارزش‌ها در جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به اهداف نقش بازی می‌کنند. پارسونز بیان کرد که کنش چیزی جز کوشش در جهت تطبیق با هنجارها نیست (ریتزر، ۱۳۷۳: ۱۳۹). پارسونز همچنین تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌دانست که تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد. پارسونز مسئولیت‌پذیری افراد و نهادها را برای نظم بخشیدن به نظام اجتماعی امری مهم می‌دانست. وی در کتاب *نظام اجتماعی*، نظم اجتماعی را به اجزا خردتر تجزیه می‌کند و عقیده دارد هریک از آنها در دادوستد با اجزا دیگر قرار دارند و ضمن رفع نیازهای یکدیگر، به رفع نیازهای کل نظام اجتماعی نیز کمک می‌کند (پارسونز، ۱۹۵۱). پارسونز عقیده دارد درون هریک از خرده نظام‌ها، کنشگران با توجه به موقعیت‌های خود ایفای نقش می‌کنند. تعهد یا همان مسئولیت‌پذیری اجتماعی در رفتار کنشگران در قالب موقعیت‌های اجتماعی، جایی که

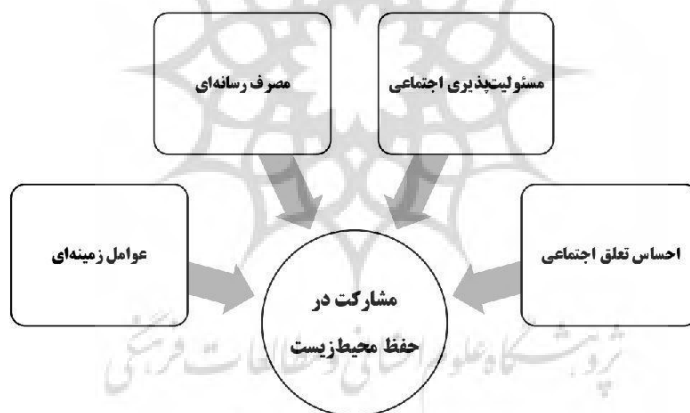
عرصه تعاملات و کنش‌های اجتماعی است، قابل بررسی است (توسلی، ۱۳۸۵، چلبی، ۱۳۸۵ و کرایب، ۱۳۸۵). پارسونز معتقد است هرگاه در موقعیت‌های اجتماعی کنش‌های اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری بیشتر و انسجام با دیگران می‌انجامد. در این کنش‌ها مسئولیت و وفاداری به حداعلای خود می‌رسد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۴۵).

مصرف رسانه‌ای: رسانه‌ها به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی کارکرد انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های جوامع را برعهده دارند. در عصر کنونی، با توجه به نقش بارز، آنها در جامعه و اطلاع‌رسانی درخصوص موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... سعی می‌کنند الگوهای نوینی را به جوامع وارد کنند تا جایگزین فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و الگوهای سنتی شوند. در این رهگذر، رسانه‌ها عاملان تغییر و تحول در ارزش‌ها و هنجارها هستند، به طوری که سنت‌ها را به مبارزه می‌طلبند و به صورت یک عامل مؤثر در دگرگونی نگرش‌ها و رفتارهای نسل جدید عمل می‌کنند.

نظریه کاشت حاصل تحقیقات جرج گرینر در اوایل دهه ۱۹۶۰، بر پروژه مطالعه شاخص‌های فرهنگی است. نظریه کاشت بر آثار تدریجی و درازمدت رسانه‌ها، به ویژه تلویزیون، بر شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطبان از دنیای اطراف و مفهوم‌سازی آنان از واقعیت اجتماعی تأکید می‌کند. از دیدگاه رویکرد کاشت، رسانه‌ها تأثیراتی بلندمدت دارند که غیرمستقیم، تدریجی و کوچک هستند، اما تراکمی و رو به افزایش و چشمگیرند و بیشتر تأکید بر آثار نگرشی است تا آثار رفتاری (هرسیج و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۰). گرینر می‌گوید: «از نظر تماشاگران پرمصرف، تلویزیون عملاً دیگر منابع اطلاعات، افکار و آگاهی‌ها را به انحصار درآورده و یک‌کاسه می‌کند. اثر این مواجهه با پیام‌های مشابه، چیزی را تولید می‌کند که آن را کاشت یا آموزش جهان‌بینی رایج، نقش‌های رایج و ارزش‌های رایج می‌نامد» (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۳۹۱-۳۹۰). در مجموع، می‌توان گفت این نظریه قائل به تأثیر کاشتی پیام بر ذهن مخاطب با در نظر گرفتن شرایطی از جمله تکرار پیام از سوی رسانه و دریافت مکرر آن از سوی مخاطبان است. گرینر معتقد است اگر پیامی از تلویزیون به طور متوالی ارائه شود و بینندگان نیز در معرض آن پیام قرار بگیرند، دنیای ذهنی آنان متفاوت خواهد بود (باهنر و کیدقان، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

با مرور نظریات ذکر شده می‌توان مشارکت اجتماعی را در دو سطح ذهنی و عینی مورد بررسی قرار داد. منظور از مشارکت ذهنی، تمایل فرد به مشارکت است و مشارکت عینی به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری است (موسوی، ۱۳۸۵). برای سنجش متغیر احساس تعلق از نظریه مک‌میلان و چاوایس استفاده شده است که احساس تعلق را دارای چهار بعد در نظر می‌گیرند. همچنین برای متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی از نظریه پارسونز وام گرفته شده است که تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را متأثر از عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌داند. از نظر وی، مسئولیت‌پذیری را برای نظم بخشیدن به نظام اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. علاوه بر این، برای متغیر مصرف رسانه‌ای از نظریه کاشت گرینر، بهره گرفته شده است که معتقد است رسانه‌ها منبع اطلاعات و افکار مصرف‌کنندگان هستند.

مدل پژوهش



شکل شماره ۱: مدل پژوهش

فرضیه‌ها

- بین احساس تعلق اجتماعی و مشارکت در حفظ محیط‌زیست رابطه وجود دارد.
- بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت در حفظ محیط‌زیست رابطه وجود دارد.
- بین میزان و نوع مصرف رسانه‌ای و مشارکت در حفظ محیط‌زیست رابطه وجود دارد.

- بین عوامل زمینه‌ای (دانشگاه محل تحصیل، رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی) و مشارکت در حفظ محیط‌زیست رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش این پژوهش، مطالعه کمی از نوع همبستگی و تکنیک تحقیق پیمایش است که عوامل مؤثر بر مشارکت جوانان در حفظ محیط‌زیست را در شهر بندرعباس مورد بررسی قرار می‌دهد. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های بندرعباس (دانشگاه هرمزگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس و دانشگاه پیام‌نور بندرعباس) است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۰ نفر تعیین گردید و با استفاده از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و برحسب عامل جنسیت، در نهایت ۱۲۸ نفر از دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۲۵ نفر از دانشگاه هرمزگان و ۶۷ نفر از دانشگاه پیام‌نور به عنوان نمونه تحقیق مورد مطالعه انتخاب شدند.

ابزار تحقیق پرسش‌نامه محقق ساخته مشتمل بر سؤالات و گویه‌هایی درباره متغیرهای تحقیق از جمله مشارکت ذهنی و عینی، احساس تعلق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مصرف رسانه‌ای است.

در این تحقیق، سنجش میزان روایی ابزار اندازه‌گیری از طریق روش اعتبار محتوا و اعتبار صوری انجام گرفته است.

برای تعیین روایی پرسش‌نامه تحقیق از روایی صوری و محتوایی استفاده شده است. بدین منظور، از تحقیقات پیشین انجام گرفته پرسش‌نامه‌های آزمایش شده قبلی در بررسی‌های مشابه در این زمینه بهره برده‌ایم. براین اساس، مراحل شاخص‌سازی مفاهیم و تدوین پرسش‌نامه براساس تحقیقات پیشین انجام گرفته است. متغیر وابسته پژوهش شامل دو بعد مشارکت عینی و ذهنی می‌باشد. برای سنجش مشارکت ذهنی، از مقیاس ۹ گویه‌ای در قالب طیف لیکرت استفاده شد. همچنین برای سنجش مشارکت عینی از مقیاس ۹ گویه‌ای طیف لیکرت استفاده شده است. عملیاتی کردن این دو بعد مشارکت برگرفته از پژوهش‌های پیشین از قبیل آگروال (۲۰۰۱)، دس (۲۰۱۴)، کلمن و اموانگی (۲۰۱۳)، زیاری و همکاران (۱۳۸۸)، رضادوست و همکاران (۱۳۸۹) و نیکخواه و احمدی (۱۳۹۶) می‌باشد. برای سنجش متغیر احساس تعلق از تحقیقات

پیشین شامل باقری بنجار و رحیمی (۱۳۹۱)، جمشیدی‌ها و همکاران (۱۳۹۳) و حقیقیان و همکاران (۱۳۹۴) استفاده شده است. همچنین برای سنجش متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی از تحقیقات طالبی و خوشبین (۱۳۹۱)، یزدان‌پناه و حکمت (۱۳۹۳) و نیکخواه و احمدی (۱۳۹۳) استفاده شده است.

همچنین برای سنجش میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری (تکرارپذیری) از آلفای کرونباخ استفاده شده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: سنجش پایایی متغیرها

ردیف	متغیر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
۱	احساس تعلق اجتماعی	۸	۰/۶۷۲
۲	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۵	۰/۶۸۴
۳	مشارکت ذهنی	۹	۰/۷۲۹
۴	مشارکت عینی	۹	۰/۸۶۰
۵	مشارکت اجتماعی	۱۸	۰/۸۴۳

داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله نرم‌افزار SPSS در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی تجزیه و تحلیل شدند. روش‌های توصیفی برای گزارش دادن توزیع‌های یک نمونه یا جمعیت برحسب چندین متغیر به کار می‌روند، و نیز برای فراهم آوردن سنجه‌های خلاصه کننده ویژگی‌های این توزیع‌ها. آمار استنباطی به دو مقصود مورد استفاده قرار می‌گیرد: برای برآورد ویژگی‌های جمعیتی (پارامترها) از ویژگی‌های نمونه (آماره‌ها)؛ و برای محرز کردن اینکه آیا انتظار می‌رود که تفاوت‌ها یا روابط مشاهده شده در نمونه در جمعیت نیز وجود داشته باشند. در بخش توصیفی، از میانگین و انحراف معیار و سایر آماره‌های توصیفی و در بخش استنباطی، از آزمون همبستگی پیرسون^۱، تحلیل واریانس یک طرفه^۲ و تحلیل رگرسیون چندگانه^۳ بهره گرفته شد.

^۱. Pearson correlation coefficient

^۲. One-way ANOVA

^۳. Multiple regression analysis

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

مشارکت اجتماعی^۱

مشارکت اجتماعی عبارت است از شرکت آگاهانه، ارادی، خودانگیخته و هدفمند گروه‌ها و افراد در فرایندها و امور اجتماعی جامعه به‌منظور سهیم شدن و نقش داشتن در فعالیت‌ها، تسهیل و تسریع امور جامعه و بهره‌برداری از نتایج آنها و کمک به اهداف توسعه اجتماعی جامعه (انصاری، ۱۳۸۳: ۶۲). مشارکت امری است که می‌تواند در ساحت‌های گوناگون از جمله همکاری، سازگاری، پذیرش، همبستگی، همیاری، یکپارچگی و تعامل تحقق یابد (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و جمعی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و همچنین اثر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۹). به تعبیر رولند کولین^۲، جامعه‌شناسان توسعه‌گرا به پیروی از مرتون و پارسونز^۳، دگرگونی و تغییر اجتماعی را ناشی از عوامل خارجی می‌دانند و همچنین بر آمادگی ذهنی و وجود انگیزه‌های شخصی برای تحقق مشارکت و توسعه تأکید دارند. مشارکت مؤثر مستلزم وجود انگیزه‌های شخصی است. به عبارتی، مشارکت قبل از اینکه نمود عینی پیدا کند، پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و خلاصه در فرهنگ مردم جست‌وجو کرد.

مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی، با ۹ گویه «پیشرفت شهر بستگی به تلاش و کوشش ساکنین دارد» در یک شهر هرکسی مسئول زندگی و کاروبار خودش است نه مسئول مشکلات دیگران. کار شراکتی و جمعی کمتر به نتیجه می‌رسد و به گرفتاری آن نمی‌ارزد. شرکت در فعالیت‌های شهری موجب اتلاف وقت افراد می‌شود- برای بهبود اوضاع شهر، شهروندان می‌بایست در کارهایی همچون دفع به‌موقع زباله، تفکیک زباله‌های تروخشک، ایجاد فضای سبز و... مشارکت کرده و به دستگاه‌های مربوطه کمک نمایند. به نظر من، جلوگیری از تخریب محیط‌زیست و مشارکت در حفظ آن وظیفه‌ی همگانی است- از اینکه بتوانم مشکلی از محیط پیرامون و جامعه خود را حل کنم احساس خوشحالی و رضایت می‌کنم- ورود فاضلاب‌ها و

1. Social participation

2. Roland Colin

3. Merton & Parsons

زباله‌های صنعتی و خانگی و... به آب دریا برایم نگران‌کننده است. معمولاً تلاش می‌کنم آگاهی خود از فعالیت‌های زیست‌محیطی را از طریق مختلف افزایش دهم» و در بعد عینی، با ۹ گویه «خود را در قبال محیط‌زیست و تمیز نگه‌داشتن و جلوگیری از آلودگی مسئول می‌دانم. حاضرم مقداری از وقت خود را برای شرکت در حل مسائل و مشکلات زیست‌محیطی بگذارم. معمولاً در اکثر سخنرانی‌های مربوط به محیط‌زیست شرکت می‌کنم. در کارگاه‌های آموزشی حفاظت از محیط‌زیست، شرکت می‌کنم. در مراسم‌های زیست‌محیطی مانند هوای پاک، روز درختکاری و... حتماً شرکت می‌کنم. دوستان و آشنایان خود را به رعایت و تشویق مسائل زیست‌محیطی دعوت می‌کنم. اگر مشکلات زیست‌محیطی در محل زندگی‌ام وجود داشته باشد، با مراجعه به شهرداری و محیط‌زیست پیگیری می‌کنم. عضویت و همکاری در NGOهای زیست‌محیطی. سعی می‌کنم از طریق تفکیک زباله در منزل در حفظ و پاکیزگی محیط‌زیست مشارکت کنم» و در قالب طیف لیکرت (۵-۰) سنجیده شده است.

احساس تعلق اجتماعی^۱

تعلق اجتماعی نقطه عطف فرایندی است که طی آن فرد نسبت به مکان، محیط، شی و/یا امری احساس تعهد و مسئولیت پیدا می‌کند، به نوعی که موجب احساس مثبت به محیط و/یا امر موردنظر می‌شود (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳: ۲۱). مک میلان و چاوایس^۲ به چهار عنصر اصلی برای تعریف احساس تعلق اجتماعی اشاره می‌کنند: عضویت، تأثیرگذاری، یکپارچگی و تحقق نیازها و ارتباطات عاطفی مشترک. به گفته برخی از نویسندگان، احساس تعلق اجتماعی را می‌توان به عنوان یک تعیین‌کننده برای مشارکت اجتماعی و مشارکت در جامعه در نظر گرفت.

احساس تعلق اجتماعی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی، با ۸ گویه «اگر برای مدتی از اعضای خانواده و خویشاوندان خود دور باشم، دل‌تنگشان می‌شوم. نسبت به اهالی محله و همسایگان احساس دوستی و وابستگی زیادی دارم. توهین به مردم شهرم را به هیچ وجه تحمل نمی‌کنم. به ادامه زندگی در این شهر، تمایل زیادی دارم. نسبت به مردم شهرم احساس دوستی و تعلق خاطر زیادی دارم. اگر توان مالی و امکان آن را داشته باشم، شهر دیگری را برای زندگی انتخاب می‌کنم. حاضرم برای بهبود اوضاع شهرم مبالغی را که قانون

^۱. Sense of social belonging

^۲. McMillan & Chavis

معین کرده است (عوارض شهرداری، خلاقی ساخت منزل و...) را به موقع پرداخت کنم. برای بهتر شدن شهرم، حاضرم در کارهایی مثل زیباسازی فضای شهر، پاکسازی ساحل، همکاری نمایم» و در قالب طیف لیکرت (۵-۰) سنجیده شده است.

مسئولیت پذیری اجتماعی^۱

مسئولیت پذیری اجتماعی ما را قادر می سازد تا در راه علائق دیگران و گروه هایی خدمت کنیم که خارج از حیطه نیازهای فردی، اهداف و نگرانی های ما قرار دارند. مسئولیت پذیری اجتماعی عامل اتصال و پیونددهنده جوامع و گروه های اجتماعی است. پارسونز عقیده دارد درون هر یک از خرده نظام ها، کنشگران با توجه به موقعیت های خود ایفای نقش می کنند. تعهد یا همان مسئولیت پذیری اجتماعی در رفتار کنشگران در قالب موقعیت های اجتماعی، جایی که عرصه تعاملات و کنش های اجتماعی است، قابل بررسی است.

مسئولیت پذیری اجتماعی به عنوان یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی، با ۵ گویه «من به عنوان یک شهروند سعی می کنم با کارهایی مثل کاشتن درخت یا سالم سازی خودروی خود و رفع نقص فنی آن، به کاهش آلودگی هوا کمک کنم. ما باید علاوه بر اینکه خودمان در مصرف آب، برق و... صرفه جویی کنیم، به دیگران هم در این زمینه توصیه کنیم، مثلاً اگر ببینیم کسی شیر آب را بیهوده باز گذاشته، از او بخواهیم که آن را ببندد و/یا خودمان آن را ببندیم. مسئولیت نظافت شهر به عهده شهرداری است، نیازی نیست مردم به نظافت شهر و محله خود رسیدگی کنند (نباید در این مورد از مردم توقعی داشت). از اینکه مسئولان شهری برای زیباسازی شهر و ساحل دریا تلاش چندانی نمی کنند، ناراحتم. این طبیعی است که آدم به همان اندازه که مراقب نظافت و پاکیزگی محیط منزلش است، در بیرون از خانه هم مراقب باشد» و در قالب طیف لیکرت (۵-۰) سنجیده شده است.

مصرف رسانه ای^۲

این متغیر، مفهومی چندبعدی است. به طور کلی، مصرف رسانه به فعالیت هایی اشاره می کند که طی آن فرد به شکلی فعالانه، هدفمند و آزادانه از وسایل ارتباط جمعی برای آگاهی پیدا کردن

^۱. Social Responsibility

^۲. Media Consumption

درباره موضوعی خاص، سرگرمی و غیره استفاده می‌کند. در این زمینه، آلن بیرو معتقد است که رسانه‌ها دارای سه گونه اصلی رسانه‌های چاپی (مانند روزنامه، کتاب و مجله)، رسانه‌های الکترونیک (مانند رادیو و تلویزیون) و رسانه‌های دیجیتال (مانند اینترنت) می‌باشند (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴). نظریه کاشت بر آثار تدریجی و درازمدت رسانه‌ها، به‌ویژه تلویزیون، بر شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطبان از دنیای اطراف و مفهوم‌سازی آنان از واقعیت اجتماعی تأکید می‌کند. گرینر معتقد است اگر پیامی از تلویزیون به‌طور متوالی، ارائه شود و بینندگان نیز در معرض آن پیام قرار بگیرند، دنیای ذهنی آنان متفاوت خواهد بود.

مصرف رسانه‌ای به‌عنوان عامل تأثیرگذار دیگر بر مشارکت اجتماعی شامل رسانه‌های داخلی و خارجی، با ۴ پرسش باز «میزان تماشای برنامه‌های تلویزیون داخلی و نوع برنامه آن (سریال‌ها و فیلم سینمایی، اخبار و گزارش خبری، برنامه‌های علمی و آموزشی، سخنرانی و برنامه مذهبی، برنامه‌های ورزشی و سرگرمی، مستند و سایر برنامه‌ها)» _ میزان تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای و نوع برنامه آن (سریال‌ها و فیلم سینمایی، اخبار و گزارش خبری، برنامه‌های علمی و آموزشی، سخنرانی، برنامه‌های ورزشی و سرگرمی، موسیقی و رقص، تبلیغات و معرفی کالا و سایر برنامه‌ها)»، مورد سنجش قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان (۸۰/۳ درصد) به گروه سنی ۱۸-۲۶ سال تعلق دارد. همچنین کمترین تعداد پاسخگویان (۰/۳ درصد) در گروه سنی ۴۵ سال و بالاتر قرار دارند. دامنه تغییرات سن در نمونه آماری بین ۱۸-۳۶ سال و میانگین آن ۲۲/۸۰ سال است. همچنین، ۶۸/۷ درصد پاسخگویان را زنان و ۳۱/۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۴۰ درصد پاسخگویان دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی، ۳۹/۱ درصد دانشجوی دانشگاه هرمزگان و بقیه (۲۰/۹ درصد) دانشجوی دانشگاه پیام‌نور بوده‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد (۸۳/۸ درصد) پاسخگویان این تحقیق را دانشجویان مقطع تحصیلی کارشناسی، (۱۱/۹ درصد) پاسخگویان را دانشجویان مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد و (۱/۳ درصد) پاسخگویان را دانشجویان مقطع تحصیلی دکتری تشکیل داده‌اند که بیشتر پاسخگویان (۴۰ درصد) از رشته‌های علوم انسانی هستند و بعد از آن رشته‌های فنی و مهندسی با ۲۶/۶ درصد و علوم پایه با ۲۳/۸ درصد قرار دارند.

براساس نتایج، محل زندگی (۸۲ درصد) پاسخگویان شهر و (۱۷ درصد) آنها روستا بوده است، یک درصد از پاسخگویان نیز محل زندگی خود را ذکر نکرده‌اند. ۷۵/۶ درصد پاسخگویان را افراد مجرد و ۲۳/۸ درصد را افراد متأهل تشکیل می‌دهند. بنابراین اکثر پاسخگویان مجرد می‌باشند که با توجه به سن و وضعیت تحصیلی پاسخگویان طبیعی به نظر می‌رسد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۳۱ درصد از دانشجویان درآمد ماهیانه خانواده خود را کمتر از یک میلیون تومان، ۶۰ درصد از دانشجویان درآمد ماهیانه خانواده خود را بین یک تا دو میلیون تومان و ۷/۲ درصد از دانشجویان درآمد ماهیانه خانواده خود را بین دو تا سه میلیون تومان اعلام کرده‌اند. ۱/۸ درصد از دانشجویان نیز درآمد ماهیانه خانواده خود را بیشتر از سه میلیون تومان اعلام کرده‌اند.

جدول شماره ۲ اطلاعات آماری مربوط به ابعاد متغیر مشارکت در حفظ محیط‌زیست را نشان می‌دهد. داده‌های این جدول نشان می‌دهد که میانگین وزنی بعد ذهنی مشارکت ۳/۵۷ و میانگین وزنی بعد عینی مشارکت ۲/۷۰ است. بنابراین طبق داده‌های جدول، میانگین بعد ذهنی مشارکت نسبتاً بالا بوده و پاسخگویان از نظر ذهنی آمادگی نسبتاً بالایی جهت مشارکت در حفظ محیط‌زیست داشته، اما میانگین بعد عینی، نسبت به بعد ذهنی، خیلی کمتر گزارش شده و نشان‌دهنده این است که پاسخگویان به لحاظ عینی و عملی مشارکت بسیار پایینی داشته‌اند.

جدول شماره ۲: اطلاعات آماری مربوط به ابعاد متغیر مشارکت در حفظ محیط‌زیست

آماره‌ها / متغیر	تعداد سؤالات	میانگین کل	میانگین وزنی	مد	انحراف معیار	واریانس	کمترین نمره	بیشترین نمره
بعد ذهنی مشارکت اجتماعی	۹	۳۳/۲۸	۳/۵۷	۳۳	۳/۱۱	۹/۶۹	۲۴	۴۵
بعد عینی مشارکت اجتماعی	۹	۳۱/۳۳	۲/۷۰	۳۱	۶/۲۷	۳۹/۳۱	۹	۴۵
مشارکت اجتماعی کل	۱۸	۲/۶۱	۶۴/۶۱	۶۴	۷/۸۰	۶۰/۷۱	۳۴	۹۰

برای تعیین وجود رابطه همبستگی بین احساس تعلق اجتماعی و مشارکت در حفظ محیط‌زیست از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌های نشان می‌دهد که بین این دو متغیر از لحاظ آماری رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی در این رابطه $R=0/493$ است. براین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که هرچه احساس تعلق اجتماعی افراد بیشتر باشد، مشارکت آنها در حفظ محیط‌زیست نیز بیشتر است. این رابطه در سطح $0/000$ $P=$ معنی‌دار است (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: رابطه بین احساس تعلق اجتماعی و مشارکت در حفظ محیط‌زیست

متغیر وابسته (مشارکت در حفظ محیط‌زیست)	احساس تعلق اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	$0/493$
سطح معناداری	$0/000$

برای آزمون وجود رابطه بین متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت در حفظ محیط‌زیست نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید، با توجه به نتایج این آزمون $R=0/435$ و سطح معنی‌داری $P=0/000$ می‌توان اذعان داشت که بین این دو متغیر با اطمینان لازم رابطه معنادار و مستقیم برقرار است. یعنی هرچه افراد مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به محیط خود داشته باشند، مشارکت آنها در حفظ محیط‌زیست هم بیشتر است (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: تعیین رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت در حفظ محیط‌زیست

متغیر وابسته (مشارکت در حفظ محیط‌زیست)	احساس تعلق اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	$0/435$
سطح معناداری	$0/000$

برای آزمون وجود رابطه بین میزان تماشای تلویزیون داخلی و مشارکت در حفظ محیط‌زیست از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد که بین این دو متغیر رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی در این رابطه نسبتاً پایین $R=0/153$ و سطح معنی‌داری $P=0/006$ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افراد به نسبتی

که به تماشای بیشتر تلویزیون داخلی پرداخته‌اند، مشارکت آنها در حفظ محیط‌زیست هم بیشتر بوده است. اما ضریب همبستگی اسپیرمن برای تعیین رابطه بین میزان تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای و مشارکت در حفظ محیط‌زیست رابطه معناداری نشان نداد (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: تعیین رابطه بین میزان تماشای رسانه‌ها و مشارکت در محیط‌زیست

متغیر وابسته (مشارکت در حفظ محیط‌زیست)	میزان تماشای تلویزیون داخلی	میزان تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای
ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۱۵۳	- ۰/۱۰۴
سطح معناداری	۰/۰۰۶	۰/۰۶۴

به‌منظور بررسی تفاوت میانگین مشارکت در حفظ محیط‌زیست برحسب دانشگاه محل تحصیل، رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی پاسخگویان، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری آزمون آنوا، مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست برحسب دانشگاه محل تحصیل، رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی پاسخگویان تفاوت معناداری با یکدیگر نداشت (بنابراین جداول و مقادیر حاصل از آزمون این متغیرها ارائه نشده است).

تحلیل رگرسیون چندگانه

به‌منظور بررسی میزان تأثیر هم‌زمان متغیرهای پیش‌بینی کننده مشارکت در حفظ محیط‌زیست، از آزمون رگرسیون چند متغیره به روش هم‌زمان استفاده شد. برای کنترل اثر متغیرهای مستقل بر میزان پراکندگی نمره‌های مشارکت در حفظ محیط‌زیست، متغیرهای مزبور وارد مدل رگرسیون شدند که نتایج آن در جدول شماره ۶ گزارش شده است. مقادیر موجود در جدول مذکور بیانگر معناداری کل مدل رگرسیونی است. ضریب تعیین مدل نیز نشان می‌دهد که در مجموع، ۲۸ درصد از واریانس مشارکت در حفظ محیط‌زیست از طریق متغیرهای مستقل معنادار موجود در مدل قابل توضیح و تبیین است.

با مقایسه ضرایب رگرسیونی استاندارد (Beta) مشخص می‌شود که بیشترین تأثیر را متغیر احساس تعلق اجتماعی (۰/۴۲) بر متغیر مشارکت در حفظ محیط‌زیست دارد. در مرتبه دوم تأثیرگذاری، متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی (۰/۳۳) قرار دارد. اما سایر متغیرها مانند درآمد

خانواده، سن پاسخگو و میزان تماشای رسانه‌های داخلی قادر به تبیین متغیر مشارکت در حفظ محیط‌زیست نبودند.

جدول شماره ۶: نتایج تحلیل رگرسیون رابطه متغیرهای مستقل با مشارکت در حفظ محیط‌زیست

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیون غیراستاندارد (B)	ضریب رگرسیون استاندارد (Beta)	مقدار T	سطح معناداری (P)
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۱/۲۰	۰/۳۳	۵/۵۲	۰/۰۰۰
احساس تعلق اجتماعی	۰/۷۷۵	۰/۴۲	۶/۵۰	۰/۰۰۰
درآمد خانواده	۱/۴۷	۰/۰۲	۰/۳۱۶	۰/۷۵
سن پاسخگو	۰/۰۸۳	۰/۰۵	۰/۷۷۵	۰/۴۳
میزان تماشای تلویزیون داخلی	۰/۲۷۸	۰/۰۸	۱/۲۴	۰/۲۱
میزان تبیین مدل	R	R ²	F	P
	۰/۵۲۷	۰/۲۷۸	۱۹/۵۳	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی میزان مشارکت جوانان در حفظ محیط‌زیست و عوامل مؤثر بر آن در شهر بندرعباس انجام شده است. یافته‌های مربوط به متغیر وابسته نشان داد که میانگین بعد ذهنی مشارکت برابر ۳/۵۷ و میانگین بعد عینی مشارکت ۲/۷۰ است که بیانگر تفاوت بارز بین ابعاد ذهنی و عینی مشارکت پاسخگویان است. همچنین نتایج نشان داد که میانگین مشارکت کل برابر ۲/۶۱ است که نشان‌دهنده سطح متوسط مشارکت پاسخگویان در حفاظت از محیط‌زیست است. در مجموع، نتایج نشان‌دهنده این است که پاسخگویان از نظر ذهنی آمادگی نسبتاً بالایی جهت مشارکت در حفظ محیط‌زیست داشته اما به لحاظ عینی و عملی، مشارکت بسیار پایینی داشته‌اند. این نتایج با یافته‌های پژوهش زیاری و همکاران (۱۳۹۲) همسو است. نتایج مطالعه آنها نشان داد که در بعد ذهنی، تمایل شهروندان به مشارکت در مدیریت شهری بالا بوده اما در بعد عینی، مشارکت شهروندان از سطح حداقلی پیروی می‌کند. آگاروال (۲۰۰۱) معتقد است که مشارکت می‌تواند براساس میزان فعالیت افراد، از پایین‌ترین سطح (مشارکت اسمی) تا بالاترین سطح (مشارکت تعاملی) اتفاق بیفتد (آگاروال، ۲۰۰۱). براساس یافته‌های پژوهش حاضر،

می‌توان گفت که مشارکت پاسخگویان در حفاظت از محیط‌زیست در سطوح پایین قرار دارد و بیشتر منفعلانه است تا اینکه پاسخگویان نقشی فعال در رفتارهای زیست‌محیطی داشته باشند.

فرضیه اول تحقیق به بررسی رابطه بین احساس تعلق اجتماعی و مشارکت در حفظ محیط‌زیست پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین دو متغیر احساس تعلق اجتماعی و مشارکت در حفظ محیط‌زیست وجود دارد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین متغیرهای احساس تعلق به محل سکونت و میزان مشارکت پاسخگویان در حفظ محیط‌زیست رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی شهروندانی که به محل سکونت خود وفادار بوده، احساس تعلق خاطر می‌نمایند، بیشتر از شهروندانی که چنین احساسی را ندارند، به مشارکت در امور شهری علاقه‌مندند. براین اساس، هرچقدر احساس تعلق اجتماعی بیشتر شود، مشارکت در حفظ محیط‌زیست نیز بیشتر می‌شود. در مطالعات متعددی (چاوز و وندرسمن، ۱۹۹۰؛ دیویدسون و کاتر، ۱۹۸۶؛ پرکینز و همکاران، ۱۹۹۰ و هاگی و همکاران، ۱۹۹۹) احساس تعلق اجتماعی به‌عنوان تعیین‌کننده برای مشارکت اجتماعی و مشارکت در جامعه در نظر گرفته شده است. این یافته‌ها با نظریه دورکیم که معتقد است احساس تعلق اجتماعی عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به هم بوده و باعث تشدید تماس و بیشتر کردن فرصت‌های ارتباط افراد با یکدیگر می‌شود (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶) همسو است. به‌علاوه، یافته‌های مطالعات مقدس جعفری و کریمی (۱۳۹۲) و خلیفه (۱۳۸۷) نیز با یافته‌های پژوهش حاضر همسو هستند.

فرضیه دوم تحقیق به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و مشارکت در حفظ محیط‌زیست پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین دو متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت در حفظ محیط‌زیست وجود دارد. به این معنا که با افزایش احساس مسئولیت در افراد، میزان مشارکت آنان در حفاظت از محیط‌زیست افزایش می‌یابد و بالعکس. براساس نظریه دورکیم جوامع دارای دو نوع همبستگی ارگانیکی و مکانیکی هستند. براین اساس، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که جوامع شهری مانند جوامع دارای همبستگی ارگانیکی هستند. در این جوامع، مردم جهت رسیدگی به هر کار و مسئله‌ای واحد و سازمان خاصی را مسئول می‌دانند، بنابراین حس مسئولیت این افراد بسیار پائین است. این امر به‌خصوص در رابطه با حفظ محیط‌زیست کاملاً مشهود است. مثلاً نظافت شهر را لزوماً وظیفه

مسئولین شهرداری و خود را از هرگونه اقدامی در این جهت مبرا می‌دانند و حتی در بسیاری موارد حاضر به جمع‌آوری زباله‌هایی که خود باعث ایجاد آن در سطح شهر می‌شوند، نیستند. این حس بی‌مسئولیتی در سطح شهر و بین افراد زیان‌های مهلکی را به محیط‌زیست شهری و همچنین سلامت تک‌تک شهروندان وارد می‌کند. پارسونز که جامعه را به‌عنوان نظام اجتماعی در نظر گرفته است، معتقد است هرگاه در موقعیت‌های اجتماعی کنش‌های اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری بیشتر و انسجام با دیگران می‌انجامد. در این کنش‌ها مسئولیت و وفاداری به‌حداعلای خود می‌رسد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۴۵). پارسونز همچنین، تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌داند و معتقد است که عوامل فرهنگی و اجتماعی بر میزان تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر می‌گذارد. وی مسئولیت‌پذیری افراد و نهادها را برای نظم بخشیدن به نظام اجتماعی امری مهم می‌داند (پارسونز، ۱۹۵۱). وی همچنین معتقد است که تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در رفتار کنشگران در قالب موقعیت‌های اجتماعی، جایی که عرصه تعاملات و کنش‌های اجتماعی است، قابل بررسی است (توسلی، ۱۳۸۵؛ چلبی، ۱۳۸۵ و کرایب ۱۳۸۵). یافته‌های فوق با نتایج مطالعه مقدس جعفری و کریمی (۱۳۹۲) همسو است.

فرضیه سوم تحقیق اشاره به وجود رابطه بین میزان و نوع مصرف رسانه‌ای افراد با مشارکت آنها در حفظ محیط‌زیست دارد. نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق نشان داد که بین میزان مصرف رسانه‌ای داخلی با مشارکت در حفظ محیط‌زیست به لحاظ آماری رابطه معناداری وجود دارد، اما بین تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای و مشارکت در حفظ محیط‌زیست رابطه معناداری مشاهده نشد. رسانه‌ها با دادن اطلاعات زیست‌محیطی به سطوح مختلف جامعه متناسب با نیاز هر قشر جامعه و القا و نهادینه کردن این اطلاعات، موجب تغییر رفتار و گسترش فرهنگ زیست‌محیطی جامعه می‌شوند. رسانه‌ها با اطلاع‌رسانی و ارتقای دانش زیست‌محیطی، مهم‌ترین نقش را در جلوگیری از تخریب طبیعت و حفاظت از محیط‌زیست دارند. اغلب رسانه‌های جمعی مورد توجه عموم بوده و افراد، پاره‌ای از اوقات شبانه‌روز خود را صرف دیدن و/یا شنیدن اطلاعات و اخبار منعکس‌شده در رسانه‌ها اختصاص می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت، سریع‌ترین، مطمئن‌ترین، در دسترس‌ترین و تأثیرگذارترین ابزار در جهت اشاعه فرهنگ حفاظت از

محیط‌زیست و آموزش و تنویر افکار عمومی، رسانه‌های جمعی هستند. برخی از اندیشمندان معتقدند با استفاده از رسانه‌ها، به راحتی می‌توان یک جریان فکری به وجود آورد. بنابراین، رسانه‌ها می‌توانند به عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردها و استراتژی‌ها در امر حفاظت از محیط‌زیست، فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن فرهنگ حفظ و نگهداری از محیط‌زیست و رفع مشکلات زیست‌محیطی با آگاه ساختن مردم ایفای نقش کنند.

علاوه بر فرضیات اصلی تحقیق، یافته‌های حاصل از آزمون رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و مشارکت در حفظ محیط‌زیست، بیانگر این است که میزان مشارکت پاسخگویان برحسب دانشگاه محل تحصیل، رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی پاسخگویان تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد. بنابراین هیچ‌کدام از متغیرهای زمینه‌ای موردبررسی تعیین‌کننده میزان مشارکت پاسخگویان در حفاظت از محیط‌زیست نبودند. این یافته‌ها با نتایج مطالعات (خلیفه، ۱۳۸۷؛ نوروزی و بختیاری، ۱۳۸۸؛ رضادوست و همکاران، ۱۳۸۸؛ محسنی و جارالهی، ۱۳۸۲؛ قینگ ون خو و همکاران^۱، ۲۰۱۰ و ایلین و لندن، ۱۹۹۷) همسو نیست. در تبیین این نتایج می‌توان به تفاوت اهداف، جامعه آماری و نحوه سنجش متغیرها در هریک از این مطالعات اشاره کرد. همچنین این یافته‌ها با نتایج مطالعه مقدس جعفری و کریمی (۱۳۹۲) همسو است.

مشارکت اجتماعی افراد صورت‌های متفاوتی در جوامع دارد. بدون شک، رشد و تعالی هر نظام اجتماعی در پرتو همبستگی اجتماعی و مشارکت افراد آن جامعه میسر می‌شود. مشارکت مردم در فرایند توسعه می‌تواند تعهد آنها را به فعالیت‌های توسعه‌ای و اجتماع محلی‌شان تقویت کند، بنابراین برای تقویت و گسترش مشارکت مردم در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت ضروری است (زارع و روهنده، ۱۳۹۴: ۶۷-۶۶). براساس نتایج این مطالعه، احساس تعلق اجتماعی دارای بیشترین تأثیر بر مشارکت افراد در حفظ و نگهداری از محیط‌زیست است و بعد از آن، مسئولیت‌پذیری اجتماعی قرار دارد. جامعه‌شناسان ایجاد همبستگی و مشارکت اجتماعی جامعه را ناشی از عواملی چون اعتقادات و احساسات مشترک و تعادل و هماهنگی میان باورها و ارزش‌ها می‌دانند. انسجام و وحدت اعضای جامعه، از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که جامعه را به سوی رشد و تعالی سوق می‌دهد.

^۱. Xu, Q, et al

ازطرفی، بدون مشارکت و همیاری مردم، هرگونه تلاش و اقدامی دراین‌راستا، اگر غیرممکن نباشد، دست‌کم با مشکلات بسیاری مواجه خواهد بود. بنابراین، به هر میزان انسجام اجتماعی، وحدت و همبستگی ملی، احساس تعلق افراد به اجتماع و محیط زندگی و علاقه‌مندی آنان به حرکت در مسیر اهداف نظام اجتماعی و توسعه پایدار، همگرایانه‌تر باشد، چنین جامعه‌ای سریع‌تر و با دشواری کمتری به اهداف و آرمان‌های خود دست می‌یابد.

منابع

- 0 ابراهیم‌زاده، حسین؛ هاشم‌زهی، نوروز؛ اشتیری، اباذر و مفرح، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تعلق شهروندان تهرانی به محله، جامعه مورد مطالعه: ساکنان بالای ۱۸ سال منطقه ۲۲ تهران. فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۷: ۱۶۴-۱۵۱.
- 0 ادهمی، عبدالرضا و اکبرزاده، الهام (۱۳۹۰). بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست شهر تهران (مطالعه موردی: مناطق ۵ و ۱۸ تهران). مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، شماره ۱: ۶۲-۳۸.
- 0 امام‌جمعه زاده، سیدجواد؛ صادقی نقدعلی، زهرا؛ رهبر قاضی، محمودرضا و نوعی باغبان، سیدمرتضی (۱۳۹۱). بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای و انسجام اجتماعی (مطالعه موردی جوانان شهر تبریز). فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، دوره اول، شماره ۴: ۳۱-۹.
- 0 انصاری، حمید (۱۳۸۳). نظریه‌های مشارکت، جزوه درسی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- 0 اوکلی، پیتر و مارسدن، دیوید (۱۳۷۰). رهیافت مشارکت در توسعه روستایی. ترجمه: منصور محمودنژاد. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی جهاد سازندگی.
- 0 بارو، کریستوفر (۱۳۸۰). اصول و روش‌های مدیریت زیست‌محیطی. ترجمه: مهرداد اندرودی. تهران: کنگره.
- 0 باقری‌بنجار، عبدالرضا؛ رحیمی، ماریا (۱۳۹۱). بررسی رابطه میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان (شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران). مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره پنجم: ۱۷۰-۱۴۳.
- 0 باهنر، ناصر؛ جعفری کیزقان، طاهره (۱۳۸۹). تلویزیون و تأثیرات کاشتی آن بر هویت فرهنگی ایرانیان. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۴: ۱۵۶-۱۳۱.

- 0 بی، ارل (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم/اجتماعی. ترجمه: رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.
- 0 برخوردار، بنفشه (۱۳۹۳). شناخت محیط‌زیست. چاپ هفتم، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- 0 پناهنده، محمد؛ عابدین‌زاده، نیلوفر (۱۳۸۹). ارزیابی اثرات زیست‌محیطی کارخانه کمپوست یزد. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره دوازدهم، شماره ۳: ۸۷-۱۰۰.
- 0 تاجر، سوزان؛ کمپوس، خوزه ادگادرو ال (۱۳۸۲). ایجاد مشارکت میان دولت، شهروند و فعالیت‌های/تنفاعی. ترجمه: محمد پسران قادر و عباس کمال‌زاده. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- 0 توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- 0 جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ پروایی هره‌دشت، شیوا؛ پیری، صدیقه و ادیب حاج‌باقری، ثریا (۱۳۹۳). بررسی نقش احساس تعلق محله‌ای در افزایش مشارکت اجتماعی، مورد مطالعه محله قزل قلعه تهران. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال چهارم، شماره ۱۲: ۲۴-۱.
- 0 چلبی، مسعود (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: نشر نی.
- 0 حقیقیان، منصور؛ پورافکاری، نصرالله و جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۱). تأثیر رفتارهای اجتماعی زیست‌محیطی بر توسعه اجتماعی (مورد مطالعه: کارکنان پارس جنوبی عسلویه). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۱: ۱۳۶-۱۵۳.
- 0 حقیقیان، منصور؛ اسماعیلی، رضا و کریمی‌زاده اردکانی، سمیه (۱۳۹۴). محله‌محوری و احساس تعلق به محله در بین ساکنان شهر تهران. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال پنجم، شماره چهاردهم: ۷۴-۵۳.
- 0 خلیفه، محمدرضا (۱۳۸۷). بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم و عوامل مؤثر بر آن در شهر مرودشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، گرایش پژوهشگری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- 0 دورکیم، امیل (۱۳۸۱). درباره تقسیم‌کار. ترجمه: باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- 0 رحمانی، بیژن و مجیدی، بتول (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط‌زیست شهری با تأکید بر نگرش اکو فمینیستی (مطالعه موردی: مناطق ۶ و ۸ شهرداری شهر تهران). فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، دوره دوم، شماره ۷: ۳۸-۱۵.
- 0 رضادوست، کریم و عابدزاده، حمید (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان ایلام. جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیستم، شماره ۳ (پیاپی ۳۵): ۹۷-۱۱۰.

- 0 رضادوست، کریم؛ حسین‌زاده، علی‌حسین و عابدزاده، حمید (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان. *جامعه‌شناسی شهری شهر ایلام. جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۰، شماره ۳: ۹۷-۱۱۰.
- 0 ریتزر، جورج (۱۳۷۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. ترجمه: احمدرضا غروی‌زاد. تهران: نشر ماجد.
- 0 زارع، بیژن و روهنده، مجید (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی-سیاسی (مطالعه‌ای در باب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج). *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره نهم، شماره ۲: ۸۷-۶۴.
- 0 زرگر، علی‌اصغر و نوروزی کلرمی، زینب (۱۳۹۵). مسئولیت و نقش دولت‌های حوزه خلیج فارس در حفاظت از محیط‌زیست. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال نهم، شماره ۳۳: ۲۵۱-۲۸۱.
- 0 زیاری، کرامت‌الله؛ نیک‌پی، وحید و حسینی، علی (۱۳۹۲). سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری-مطالعه موردی: شهر یاسوج. *نشریه مسکن و محیط روستا*، دوره ۳۲، شماره ۱۴۱: ۸۶-۶۹.
- 0 زیاری، کرامت‌الله؛ نیک‌پی، وحید و حسینی، علی (۱۳۹۲). سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری براساس الگوی حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج). *نشریه مسکن و محیط روستا*، دوره ۳۲، شماره ۱۴۱: ۸۶-۶۹.
- 0 ساروخانی، باقر و امیرپناهی، محمد (۱۳۸۵). ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی. *پژوهش زنان*، دوره چهارم، شماره ۳: ۶۰-۳۱.
- 0 سورین، ورنر و جیمز، تانکارد (۱۳۸۱). *نظریه‌های ارتباط‌جمعی*. ترجمه: علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- 0 شیانی، ملیحه؛ رضوی الهاشم، بهراد و دلپسند، کامل (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری. *فصلنامه علمی تخصصی مطالعات شهری*، سال دوم، شماره ۴: ۲۴۰-۲۱۵.
- 0 صالحی، صادق (۱۳۸۹). نگرش جدید نسبت به محیط‌زیست و مصرف انرژی. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات و ارتباطات*، سال ششم، شماره ۲۰: ۱۹۷-۲۱۶.
- 0 صالحی، صادق و امام‌قلی، لقمان (۱۳۹۱). مطالعه تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج). *مجله مسائل اجتماعی ایران* (دانشگاه خوارزمی)، دوره سوم، شماره ۱: ۱۴۷-۱۲۱.

- 0 صالحی، صادق و پازکی نژاد، زهرا (۱۳۹۲). محیط‌زیست در آموزش عالی: ارزیابی دانش زیست‌محیطی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مازندران. دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال دوم، شماره ۴: ۱۹۹-۲۲۰.
- 0 طالبی، ابوتراب و خوشبین، یوسف (۱۳۹۱). مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان. فصلنامه علوم/اجتماعی. دوره ۱۹، شماره ۵۹: ۲۰۷-۲۴۰.
- 0 عباس‌زاده، محمد؛ عزیززاده اقدم، محمداقبر و اسلامی بناب، سیدرضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی. نشریه مطالعات و تحقیقات علوم/اجتماعی، دوره اول، شماره ۱: ۱۷۲-۱۴۵.
- 0 علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
- 0 غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت. تهران: نشر نزدیک.
- 0 فرصت، محمد (۱۳۸۴). ارزشیابی آموزش زیست‌محیطی در نظام آموزش عالی کشور. پایان‌نامه دکتری، رشته مدیریت محیط‌زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- 0 فرهنگ، مهناز؛ شکوهی‌فر، کاوه و سیارخلج، حامد (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی (مورد مطالعه: شهروندان شهر یزد). مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره چهارم، شماره ۱۰: ۱۴۱-۱۰۹.
- 0 فلاحتی، حمید (۱۳۹۴). بحران محیط زیست، مجله پایش سبک زندگی، شماره ۸: ۹۱.
- 0 کرایب، یان (۱۳۸۵). نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه: شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر آگه.
- 0 کردی، حسین (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر نگرش زنان به مشارکت اجتماعی در استان گلستان. پیک نور، سال پنجم، شماره ۱: ۸۰-۶۹.
- 0 کریمی، لیلا (۱۳۸۹). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی (با تأکید بر مصرف آب). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور تهران.
- 0 محسنی، منوچهر و جاراللهی، عذرا (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در ایران. تهران: نشر آرون.
- 0 محمودی، حسین و ویسی، هادی (۱۳۸۴). ترویج و آموزش محیط‌زیست؛ رهیافتی در حفاظت اصولی از محیط‌زیست. فصلنامه علوم محیطی، دوره دوم، شماره ۸: ۶۴-۵۷.
- 0 مقدس جعفری، محمدحسن و کریمی، رضا (۱۳۹۲). بررسی مشارکت اجتماعی جوانان ۲۹ - ۱۸ ساله شهر بم بعد از زلزله و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. سال چهارم، شماره ۱۱: ۱۳۲-۱۱۱.

- 0 ملک‌آبادی، رضا؛ مختاری عبداللهی، عظیمه‌السادات و صادقی، حمیدرضا (۱۳۹۳). تحلیل و بازشناسی رفتارهای زیست‌محیطی شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره پنجم، شماره ۱۸: ۱-۲۰.
- 0 موسوی، سیدیعقوب و صفری، سحر (۱۳۹۵). رشد شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای. فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره ۳: ۶۲-۳۱.
- 0 موسوی، میر طاهر (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. مجله رفاه اجتماعی، دوره ششم، شماره ۲۳: ۶۷-۹۲.
- 0 میرعباسی، اشرف‌السادات؛ حسن‌پور، محمد و پناهنده، محمد (۱۳۸۹). شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت زیست‌محیطی با کمک نظریه کنش موجه. سیزدهمین همایش ملی بهداشت محیط، کرمان، دانشگاه علوم پزشکی کرمان.
- 0 نواح، عبدالرضا؛ فروتن‌کیا، شهرز و پورتر کارونی، محمد (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان دین‌داری با ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان (مطالعه موردی: شهر اهواز). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره اول: ۷۷-۹۸.
- 0 نوروزی، فیض‌الله و بختیاری، مهناز (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳: ۲۶۹-۲۴۹.
- 0 نیکخواه، هدایت‌الله و احمدی، زهرا سادات (۱۳۹۶). بررسی عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر بندرعباس. مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره ششم، شماره ۱: ۱۵۹-۱۸۴.
- 0 نیکخواه، هدایت‌الله و جهانشاهی‌فرد، سمیرا (۱۳۹۳). بررسی میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان بندرعباس و عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر آن. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال پنجم، شماره ۱۳: ۱۰۹-۱۳۴.
- 0 واعظ مدنی، بهناز السادات (۱۳۹۶). بحران‌های زیست محیطی ایران، ماهنامه کارایی، شماره ۳۴: ۳۰-۲۵.
- 0 وحید، فریدون و نیازی، محسن (۱۳۸۳). تأملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان. نامه علوم اجتماعی، دوره یازدهم، شماره ۳ (پیاپی ۲۳): ۱۴۵-۱۱۷.
- 0 ویسی، هادی و مجدالدین، اکبر (۱۳۸۹). بررسی سازوکارها و زمینه مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست. نشریه محیط‌زیست طبیعی، دوره شصت و سوم، شماره ۱: ۱۰۷-۹۳.

- 0 هرسیچ، حسین؛ محمود اوغلی، رضا؛ عیسی‌نژاد، امید و رهبر قاضی، محمودرضا (۱۳۹۱). بررسی تأثیرات مصرف رسانه‌ای بر هویت اجتماعی دانشجویان دانشگاه اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۳، شماره ۲۳: ۷۵-۹۲.
- 0 همتی، تورج (۱۳۸۰). *بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی در آموزش زیست‌محیطی و موانع مشارکت مردم در حفاظت از محیط‌زیست استان ایلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام.
- 0 یزدان‌پناه، لیلا و حکمت فاطمه (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهیدباهنر کرمان). *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۸، شماره ۲: ۱۲۸-۱۵۲.
- 0 Agarwal, B. (2010). Does women's proportional strength affect their participation? Governing local forests in South Asia. *World Development*, 38(1): 98-112.
- 0 Akomolafe, O. (2011). Impact of Personal Factors on Environmental Education in Tertiary Institutions in Ekiti State, Nigeria. *International Journal for Cross-Disciplinary Subjects in Education*, 1(1): 559-564.
- 0 Arnstein, S. (1971). *A ladder of citizen participation in the USA*. London: Royal Town Planning Institute.
- 0 Budak, D. (2005). Behavior & Attitude of Student Toward Environmental Issues at Faculty of Agricultural, Turkey, *Jurnal of Applied Sciences*, 5(7):1224 – 1227.
- 0 Cicognani, E, et al. (2008). Social Participation, Sense of Community and Social Well Being: A Study on American, Italian and Iranian University Students. *Social Indicators Research*, 89(1): 97-112.
- 0 Ellison, C. G. (1999). The social and political participation of black American. *Social force*, 20(3): 681-701.
- 0 Gaotri, H. (1986). *popular participation in development, participation in development*. Paris: UNESCO:150.
- 0 Kollmuss, A, Agyeman, J. (2002). Mindin the Gap: Why People Act environmentally and what are the Barriers to Pro-environmental Behavior? *Journal of Environmental Education Research*, 8(3): 239-260.
- 0 McMillan, W. D. & Chavis, M. D. (1986). Sense of community: A definition and a theory. *Journal of Communjty Psychology*, vol14, issue1: 6-23.
- 0 Oguz, D, Cakci, I.; Kavas, S. (2010). Environmental Awareness of University Students in Ankara .Turkey. *African Journal of Agricultural Researc*, 5(19): 2629 – 2636.
- 0 Parsons, T. (1951). *The social system*. New York, The Free press.
- 0 Teksoz, G, Sahin, E. & Ertpinar, H. (2010). a New Vision for Chemistry Education Students: Environmental Education. *International Journal of Environmental & Science Education*, 5(2): 131-149.
- 0 Wandersman, A.; Florin, P. (2000). *Citizen Participation and community organizations*. In J. Rappaport & E. Seidman (Eds), *Handbook of community psychology*, New York.
- 0 Xu Q1, Perkins DD; Chow JC. (2010).Sense of Community, Neighboring, and Social Capital as Predictors of Local Political Participation in China. *American Journal of Community Psychology*, no45: 259-271.